

موانع تحقق استقلال و آزادی

ایجاد انگیزه

همه ما واژه «شعار» را بسیار شنیده‌ایم و خاطراتی از این واژه در ذهن داریم. شعار در اصل عبارت است از شعرها یا نثرهایی که در جنگ‌ها می‌خوانند. در میدان جنگ تن به تن هر دسته‌ای اشعار به خصوصی استفاده می‌کنند و آن را نماد گروه خود و متمایز کننده آنان از دشمن می‌دانند.

در جریان نهضت انقلاب اسلامی ایران نیز از ۱۹ دی ۱۳۵۶ تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ شعارهای زیادی مطرح شد که مهمترین، تأثیرگذارترین و ماندگارترین آن شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» بود.

این شعار، ماهیت انقلاب اسلامی ایران را بیان می‌کند و ساختار سیاسی جمهوری اسلامی به مقدار زیادی متأثر از مفهوم آن می‌باشد.

مقصود امام خمینی (ره) از انتخاب این شعار چه بوده است؟ چرا انقلابیون در آن برهه حساس این شعار را سر می‌دادند؟ با این شعار به دنبال چه چیزی بودند؟ واژه‌های به کار رفته در این شعار اشاره به چه مطلبی دارند؟

متن و محتوا

این شعار از چند واژه تشکیل شده که هر کدام دارای بار معنایی خاصی هستند. برای درک مفهوم و ماهیت این شعار، بررسی تک تک واژه‌ها ضروری است:

۱. واژه استقلال

اولین واژه شعار «استقلال» است. استقلال یعنی اینکه ملت و دولت ایران دیگر مجبور نیستند تحمیل قدرت‌های بیگانه را قبول کنند. استقلال یعنی اعتماد به خود و بهره‌مندی از امکانات و نیروهای خودی.

استقلال، شامل تمامی زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی می‌شود. اما بیشتر کاربرد این واژه در استقلال سیاسی است. از این رو، مفهوم واژه استقلال در علم سیاست یکی از مقبول‌ترین مفهومی‌ها و یکی از مقدس‌ترین واژه‌ها است.

منظور از استقلال سیاسی آن است که یک کشور از جهت مدیریت سیاسی تابع یا متأثر از کشور دیگر نباشد. در این مفهوم استقلال و حاکمیت خارجی ادامه و مکمل حاکمیت داخلی است که به موجب آن دولت انحصاراً ابتکار تعیین سرنوشت کشور را بدون دخالت سایر دولت‌ها داراست.

دخالت‌های مکرر دولت‌های استعماری روس و انگلیس در امور داخلی ایران در دوره قاجار و پهلوی اول و سپس دخالت آشکار ایالات متحده آمریکا در امور داخلی ایران در دوره پهلوی دوم موجب شد، رسیدن به استقلال واقعی به آرمان مبارزان نهضت مشروطیت و انقلاب اسلامی تبدیل شود. از این رو، یکی از واژه‌های پر تکرار انقلابیون، «استقلال» بوده است.

۲. واژه آزادی

یکی از مهمترین خواسته‌های مردم ایران در یک قرن اخیر «آزادی» بوده است. این خواسته در جریان نهضت مشروطیت و نهضت ملی شدن صنعت نفت نیز مطرح شد و در جریان پیروزی انقلاب اسلامی مردم با صدای رساتری آزادی و رهایی از بند نظام استبدادی را فریاد زدند.

آزادی حقی است که به موجب آن افراد بتوانند استعدادها و توانایی‌های طبیعی و خدادادی خود را به کار اندازند، مشروط بر آنکه آسیب یا زبانی به دیگران وارد نسازند.

در اصل نهم قانون اساسی چنین آمده است: «در جمهوری اسلامی ایران، آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند و حفظ آن‌ها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی، به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه‌ای وارد کند...»

۳. واژه جمهوری

واژه «جمهوری» بیانگر شکل حکومت است که آن را از نظام‌های سلطنتی و جمهوری‌های ظاهری متمایز می‌سازد و بیانگر نقش مردم در تعیین زمامداران می‌باشد.

جمهوری که جزئی از شعار اصلی انقلاب ایران است، یکی از مهمترین خواسته‌های مردم در جریان پیروزی انقلاب اسلامی بوده که این خواسته، بعدها در جریان تعیین نظام سیاسی جایگزین رژیم سلطنتی شد و در ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ مورد تأیید اکثریت ملت قرار گرفت.

۴. واژه اسلامی

واژه «اسلامی» نیز نظام سیاسی ایران را از سایر نظام‌های جمهوری رایج در جهان متمایز می‌سازد. اسلامی بودن نظام، به معنای حاکمیت ارزش‌های اسلامی بر تمامی امور کشور است و ولی فقیه، ولایت امر و امامت امت را بر عهده می‌گیرد.

درباره اسلامی بودن امور در جمهوری اسلامی در اصل ۴ قانون اساسی آمده است: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق با عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقها شورای نگهبان است.»

امام خمینی (ره) رهبر و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی نیز قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در پاسخ به سؤال خبرنگار فاینشال تایم انگلیس که پرسید، دنیای غرب شناخت صحیحی از حکومت اسلامی شما ندارد، فرمود: «ما خواستار جمهوری اسلامی می‌باشیم. جمهوری، فرم و شکل حکومت را تشکیل می‌دهد و اسلامی یعنی محتوای آن فرم، که قوانین الهی است.»

در اصل اول قانون اساسی جمهوری اسلامی درباره نوع حکومت کشور آمده است: «حکومت ایران جمهوری اسلامی است که ملت ایران، بر اساس اعتقاد دیرینه‌اش به حکومت حق و عدل قرآن، در پی انقلاب پیروزمند خود به رهبری مرجع عالی‌قدر تقلید آیت‌الله‌العظمی امام خمینی، در همه‌پرسی دهم و یازدهم فروردین ماه یک هزار و سیصد و پنجاه‌وهشت هجری شمسی ... با اکثریت ۲ / ۹۸ درصد کلیه کسانی که حق رأی داشتند، به آن رأی مثبت داد.»

بنابراین می‌توان گفت: شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» ماهیت انقلاب و روح حاکم بر قانون اساسی جمهوری اسلامی است و در یک جمله می‌توان گفت: نظام جمهوری اسلامی تبلور شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» است. حال این سؤال در ذهن شکل می‌گیرد که چه عواملی در تحقق این شعار نقش دارد و چه موانعی، سد راه محقق شدن این شعار می‌شود؟

موانع تحقق شعار «استقلال آزادی جمهوری اسلامی»

۱. تضعیف سیستم حاکمیتی و رهبری نظام

از بدو پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون، ولایت‌فقیه و رهبری نظام به عنوان مهمترین رکن نظام اسلامی و مستحکم‌ترین سد دفاعی نظام، همواره مورد هجوم بی‌امان دشمنان بوده است. دشمنان نظام به درستی دریافته‌اند تا زمانی که اقتدار و اعتبار رهبری در ایران محفوظ باشد، «استقلال آزادی جمهوری اسلامی» نیز باقی است و تا زمانی که جایگاه رهبری حفظ شود، مطلقاً هیچ پروژه براندازانه‌ای در جمهوری اسلامی، قابلیت طرح و اجرا نخواهد داشت. از این رو، با فهم اینکه راز ماندگاری و استقامت جمهوری اسلامی، ولایت‌فقیه و رهبری است، لحظه‌ای از هجوم علیه این رکن نظام، فروگذاری نکرده‌اند.

هم زمان با پررنگ شدن نقش بی‌بدیل جمهوری اسلامی در تحولات منطقه و به خصوص با توجه به جایگاه رفیع رهبر انقلاب در میان مسلمانان و نقش وحدت‌بخش ایشان در هدایت بیداری اسلامی و رهنمون انقلاب‌های منطقه، رسانه‌های معاند و سردمداران‌شان، حمله خود بر ضد جایگاه الهام‌بخش جمهوری اسلامی و رهبر انقلاب در بیداری اسلامی را شدت بخشیده‌اند. در مراحل نخست شکل‌گیری بیداری اسلامی، رهبر انقلاب، درست در زمانی که مردم مصر در حال قیام بودند و تلویزیون‌های عربی، غربی و سیاستمداران آن‌ها بر ضد آنان سخن می‌گفتند، در نماز جمعه تاریخی ۱۵ بهمن ۱۳۸۹ ه.ش. «حسنی مبارک» را با لفظ «نامبارک» خطاب و حمایت خود را از انقلابیون مصری، تونس و موج بیداری اسلامی اعلام و ضمن تأکید بر الگوپذیری از انقلاب اسلامی ایران، انقلابیون را به استقامت و ایستادگی دعوت می‌کردند.

در داخل کشور نیز جریان سکولار و وابسته در هم‌سویی آشکار و پنهان با بیگانگان، با علم به اهمیت و نقش این اصل مترقی قانون اساسی و نظام اسلامی تمامی تلاش خود را به کار بسته‌اند تا درونی‌ترین لایه اقتدار جمهوری اسلامی را تسخیر و تضعیف نمایند. ارائه لوایح دوقلو برای افزایش اختیارات رییس‌جمهور و تضعیف نقش رهبری در نظام در سال‌های پایانی دوران «خاتمی»، آخرین اقدامی بود که این جریان با هدف تضعیف رهبری، مصرانه آن را پیگیری کرد اما ناکام ماند.

بر این اساس، حمله به جایگاه رهبری در جمهوری اسلامی، فصل مشترک حلقه وصل و پیمان نانوشته همگی جریان‌های جبهه مقابله با نظام اسلامی به شمار می‌رود که در دو محور کلی «مشروعیت زدایی از اصل ولایت‌فقیه» و «ایجاد جنگ روانی بر ضد شخص رهبری انقلاب»، دنبال می‌گردد.

از سوی دیگر، مدیریت کارآمد، هوشیاری، بصیرت، اقدام به موقع، شجاعت و تدبیر رهبر معظم انقلاب حضرت «آیت‌الله خامنه‌ای» سبب گردیده که حمله به شخص ایشان نیز همراه با مبارزه با این اصل مترقی حکومت اسلامی، صورت پذیرد و معظم له به صورت مداوم، طعمه بمباران روانی و شبهه پراکنی‌های تکراری دشمنان قرار گیرند. رسانه‌های معاند در برنامه جنگ روانی خود بر ضد رهبر انقلاب، از تاکتیک‌ها و تکنیک‌های مختلف و متعدد عملیات و مبارزه رسانه‌ای بر ضد ایشان استفاده کرده‌اند. تکنیک‌های زشت‌سازی، دشمن‌سازی و انسانیت‌زدایی، برچسب زدن و لقب‌سازی، القا و فرافکنی، مبالغه و

بزرگ‌نمایی، تاکتیک دروغ بزرگ، تصدیق عناصر ضدانقلاب، تکرار، جعل خبر و شایعه‌سازی‌های پی در پی و... را می‌توان مهم‌ترین شیوه‌های به کار رفته در جنگ روانی و بمباران تبلیغاتی بر ضد رهبر معظم انقلاب دانست. بنابراین تضعیف جایگاه مرجعیت و رهبری نظام خط قرمز شیعه و دوستداران نظام و انقلاب است و با هر کسی که بخواهد از این خط قرمز عبور کند برخورد جدی می‌کنند.

۲. عدم همدلی و هم‌زبانی بین ملت و دولت

مقام معظم رهبری سال ۱۳۹۴ هجری شمسی را به عنوان سال «دولت و ملت، همدلی و هم‌زبانی» نام‌گذاری نمودند. ایشان فرمودند: «برای تحقق شعار سال ۹۴ باید هر دو کفه این شعار یعنی ملت عزیز، بزرگ، شجاع، بصیر، دانا و با همت ایران و همچنین دولت خدمتگزار، به یکدیگر اعتماد و صمیمانه با هم همکاری کنند»

دولت‌مردان باید با تبیین عالمانه، صادقانه، خیرخواهانه، مشفقانه، مستدل و قاطعانه، شفاف و به هنگام، مسائل مختلف کشور را با پرهیز از هرگونه مخفی‌کاری، پنهان‌کاری، دروغ‌گویی و ریاکاری، در اموری که دانستن آن‌ها حق ملت است و مردم باید آن‌ها را بدانند با مردم در میان بگذارد که این امر اعتماد مردم را نسبت به دولت بیشتر جلب خواهد کرد.

بسیاری از آسیب‌ها و مشکلاتی که در جامعه به ویژه بین دولت و ملت وجود دارد ناشی از عدم تفاهم و درک متقابل و اختلاف‌نظر و سلیقه‌های موجود است که با اندک تلاش و اطلاع‌رسانی و روشن‌گری می‌توان پیشگیری نمود. به عنوان مثال ایران گلچینی از قومیت‌های مختلف است که اگر دولت بتواند نیازمندی‌های آنان را درک کند و از برداشت‌های سیاسی و جناحی فراتر برود و این اقوام نیز اموال دولت و کم و کاستی‌های آن را از آن خود بدانند، کشور به وحدت کلمه و رویه‌ای منسجم می‌رسد که چنان سپری مستحکم جلوی شایعه‌پراکنی و تفرقه‌اندازی و دسیسه‌بازی دشمنان دولت و ملت را خواهد گرفت؛ بنابراین همدلی و هم‌زبانی بستری تفاهمی برای ایجاد وحدت و حل مشکلات فراهم می‌کند تا چرخه‌های پیشرفت کشور هرچه سریع‌تر و متوازن‌تر به سمت توسعه پایدار به حرکت درآیند و از هزینه‌های مالی و انسانی و سیاسی بسیاری صرفه‌جویی می‌شود و حاشیه‌سازی‌ها و سرعت کاه‌ها کاهش می‌یابند و میزان آگاهی و مسئولیت‌پذیری و دلسوزی و عرق ملی افزایش می‌یابد و تار و پودهای کشور مستحکم‌تر می‌گردند.

نام‌گذاری سال ۹۴ به این عنوان، در شرایط سخت گذار کشور از کشوقوس‌های سیاسی و اقتصادی، نشان از نگرشی حکیمانه به کلیت مسائل ایران و منطقه دارد که در بطن و متن آن توصیه‌ای دلسوزانه به دولت و ملت است که کشور به سمت وحدت و انسجام و پرهیز از اختلاف و حاشیه حرکت نماید.

۳. عدم اعتماد به ظرفیت نیروهای داخلی و وابستگی به بیگانگان

تاریخ ۳۵ ساله انقلاب اسلامی ایران حاکی از آن است که قدرت‌های استکباری نظام بین‌الملل از ابتدای شکل‌گیری نظام اسلامی تاکنون با استفاده از شیوه‌های مختلف، درصدد القاء ناکارآمدی نظام و ضربه به توانایی‌های ملی بوده‌اند. از این رو برای رشد و پیشرفت کشور توجه و اتکا به توان داخلی از موضوعاتی است که استقلال کشور، منافع ملی و امنیت ملی را بیش از هر عنصر دیگری به ارمغان خواهد آورد. از این منظر رهبر فرزانه انقلاب در خصوص تخریب خودباوری ملی توسط دشمنان این ملت می‌فرماید: «ما را قبل از انقلاب ده‌ها سال تحقیر کردند؛ ملت ایران با این سابقه، با این تمدن کهن، با این همه میراث

فرهنگی عمیق، با این‌همه دانشمند در رشته‌های مختلف در طول تاریخ، کارش به جایی رسید که حاکمان این ملت برای کارهای اساسی کشور باید [کسانی را] می‌فرستادند. سفارت انگلیس و سفارت آمریکا، از سفیر انگلیس و سفیر آمریکا اجازه می‌گرفتند؛ تحقیر یک ملت بیشتر از این؟ ... این گذشته ما است، ما نباید تحقیر می‌شدیم؛ ما نباید اجازه می‌دادیم که قدرت‌های غارتگر جهانی بیایند اقتصاد ما را در دست بگیرند، نفت ما را ببرند، منابع ما را تصرف بکنند، از لحاظ سیاسی و اجتماعی هم ملت ما را تحقیر بکنند؛ اما این اتفاق افتاد.» (بیانات مقام معظم رهبری (حفظه) در دیدار کارگران در گروه صنعتی مپنا ۹۳/۲/۱۰).

یکی از موضوعات مهم و اساسی که مقام معظم رهبری بارها در جمع اقشار مختلف مردم و مسئولین نظام جمهوری اسلامی ایران مطرح نمودند، «توجه به استعدادهای بومی و توان داخلی» آن هم با رویکرد «عزم ملی و مدیریت جهادی» است. ایشان در برخی از مناسبت‌ها در جمع اقشار مردم و مسئولین با اظهار گلایه از توجه جدی نکردن برخی از مسئولان به پیام اقتدار و توانایی درونی ملت ایران، این دغدغه اساسی خود را این‌گونه بیان نمودند که: «متأسفانه در برخی از بخش‌ها مدیران ما این پیام را درک نمی‌کنند» (بیانات مقام معظم رهبری (حفظه) هنگام بازدید از نمایشگاه دستاوردهای نیروی هوافضای سپاه پاسداران، ۱۳۹۳/۲/۲۱).

بحث اقتصاد مقاومتی که مقام رهبری تبیین کرده در راستای استقلال خواهی و خودباوری ملت ایران می‌باشد و برای این است که اتکای نظام بیشتر بر سرمایه‌های خود باشد و نگاه مسئولین و مردم ما به دستان بیگانگان نباشد.

۴. پروژه نفوذ دشمنان

یکی دیگر از موانع سد راه محقق شدن «شعار استقلال آزادی جمهوری اسلام» پروژه نفوذ است که این روزه‌ها در ادبیات رهبری مکرر بیان می‌شود. نفوذ دشمنان و منافقان در مناصب حساس زمینه ایجاد وابستگی است. نظام سلطه مترصد فرصتی است تا از فضای سیاسی و اقتصادی ناشی از برجام حداکثر استفاده را ببرد و طراحی‌های خود را علیه جمهوری اسلامی ایران تعمیق بخشد. به همین دلیل رهبر معظم انقلاب اسلامی، در دیدار با فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (۲۵ شهریور ۹۴) با اشاره به نیت شوم دشمنان سلطه‌گر برای بازگشت و نفوذ در ایران اسلامی فرمودند: «در زمینه سیاسی نیز بیگانگان به دنبال نفوذ در مراکز تصمیم‌گیری و اگر نشد، نفوذ در مراکز تصمیم‌سازی هستند که در صورت تحقق این توطئه، جهت‌گیری‌ها، تصمیمات و حرکت عمومی کشور، بر اساس خواست و اراده بیگانگان، تنظیم و اجرایی خواهد شد.»

همه گام‌های مبارزه راهبردی نفوذ، برای این صورت می‌گیرد که دشمنان انقلاب اسلامی ایران بتوانند از فضای به وجود آمده، به تغییر در معادله قدرت و سیاست داخلی ایران برسند؛ امری که هرچند در اظهارات علنی مقامات آمریکایی به آن اشارتی می‌شود، اما در واقع بیش از هر چیزی بر آن حساب و تمرکز کرده‌اند که این فضا، مقدمه نفوذ و سپس براندازی جمهوری اسلامی باشد، نه مقدمه پذیرش این کشور به‌مثابه یک قدرت هسته‌ای.

پیتر هارل، از پژوهشگران اندیشکده «مرکز امنیت آمریکایی جدید»، به مقامات کاخ سفید چنین تجویز می‌کند: «آمریکا باید یک استراتژی تهاجمی ترویج اصلاحات سیاسی و اجتماعی در ایران را دنبال کند تا تعامل بیشتر مؤسسات غیردولتی آمریکایی و بین‌المللی و نهادهای جامعه مدنی در ایران تسهیل شود. واشنگتن باید به باقی ماندن در کنار فعالانی در ایران که به دنبال اصلاحات سیاسی در کشور هستند، ادامه دهد.» (هشدارهای امنیت ملی در فضای پساتوافق، مهدی محمدی، روزنامه وطن امروز، ۱۳۹۴/۵/۲۶).

در واقع برجام و افزایش تعامل با ایران از دید آن‌ها بیش از آنکه به معنای راه یافتن ایران به جامعه بین‌المللی باشد، به معنای راه یافتن آمریکا به درون ایران است.

در پایان با کلام گهرباری از مقام معظم رهبری (حفظه الله) سخن را به سرانجام می‌رسانیم: «(قبل از انقلاب، بیگانگان می‌خواستند، همه چیز) بر طبق میل آن‌ها انجام شد؛ اگر آن‌ها مصالح کشور را قربانی کردند، دولت دم نزند؛ اگر به منابع ملی کشور تعرض و تجاوز کردند، کسی حرف نزند؛ اگر ملت هم مخالفت کرد، دولت توی سرش بزند! این وضعی بود که در دوران پهلوی، خود ما با پوست و گوشت و جسم و جان خود آن را لمس کردیم. انقلاب آمد ملت و کشور و دولت را مستقل کرد. امروز هیچ قدرتی در دنیا نمی‌تواند در مسائل کشور ما اعمال نفوذ و ما را مجبور به کاری کند. مسئولان کشور نگاه می‌کنند و هر کاری را که مصلحت تشخیص دادند، انجام می‌دهند. ملت، تماشاگر و قضاوت کننده کارهای مسئولان است؛ اگر آن‌ها را پسندید، پشت سر مسئولان می‌ایستد؛ اگر نپسندید، آن‌ها را عوض می‌کند؛ اختیار دست ملت است.» (بیانات مقام معظم رهبری (حفظه) در نماز جمعه ۱۳۸۲/۱۱/۲۴).